



ارزیابی هنری کیسینجر از روسیه و جنگ اوکراین

وارد عصر جدیدی شده‌ایم

آرشیو

آرش فرحزاد: جهان پس از ۲۶ فوریه ۲۰۲۲ و حمله روسیه به اوکراین وارد دوران جدیدی شده است. دورانی که کمتر کسی می‌تواند مختصات و ویژگی‌های آن و تغییرات در مناسبات قدرت‌ها را ترسیم کند. اما هنری کیسینجر دیپلمات سرشناس آمریکایی که در آستانه صدسالگی قرار دارد از معدود تحلیلگرانی است که می‌تواند چشم‌اندازی نسبتاً روشن از دنیای پس از جنگ اوکراین پیش‌روی ما قرار دهد. این دیپلمات و استراتژیست باتجربه دوران جنگ سرد که سابقه حضور در کسوت وزیر خارجه در دولت ریچارد نیکسون و مشاور امنیت ملی در دولت جرنال فورد را دارد، به تازگی در گفت‌وگویی با فایننشال تایمز به بررسی وضعیت روسیه، جنگ اوکراین و موقعیت چین پرداخته است.

بیانات

اوایل امسال پنجاهمین سالگرد سفر ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده به چین و بیانیه شانگهای را گرامی داشتیم. بدون تردید شما ایده‌پرداز و تنظیم‌کننده توافق چین و آمریکا برای احیای روابط دوجانبه بودید. این توافق یک تغییر بزرگ در جنگ سرد محسوب می‌شد و شما با این ابتکار، چین را از روسیه جدا کردید. اما جهان امروز انگار در سبیری کاملاً متفاوت با آن دوران در حرکت است. روسیه و چین به روابط بسیار نزدیک بازگشته‌اند و به نظر می‌رسد ایالات متحده در دوران جنگ سرد جدید با چین قرار دارد.

زمانی که ما به دنبال کنشایش در رابطه واشنگتن و پکن بودیم، روسیه دشمن اصلی آمریکا محسوب می‌شد اما روابط ما با چین هم در بدترین وضعیت قرار داشت. دیدگاه ما که منجر به برقراری رابطه با چین شد این بود که وقتی دو دشمن دارید، رفتار کاملاً یکسان و مشابه با آنها عاقلانه نیست.

آنچه باعث شد تا واشنگتن و پکن به هم نزدیک شوند، تنش‌هایی بود که بین روسیه و چین ایجاد شد. لئونید برژنف، رئیس‌جمهور وقت اتحاد جماهیر شوروی نمی‌توانست تصور کند که چین و ایالات متحده می‌توانند با هم متحد شوند. اما مانو رهبر چین باوجود همه خصومت ایدئولوژیک خود با واشنگتن، آماده آغاز گفت‌وگو بود. درواقع، اتحاد امروز چین و روسیه براساس منافع رهبران این کشورها شکل گرفته و به نظر من این یک رابطه داتا دائمی نیست.

• این تصور غالب وجود دارد که ایجاد فاصله بیشتر بین روسیه و چین منافع ژئوپلیتیک آمریکا را بیشتر تامین خواهد کرد. آیا این تصور اشتباه است؟

موضوعات در زمان بروز آنها به کار ببریم، نه اینکه آن را به موضوع اصلی رویارویی تبدیل کنیم، مگر اینکه قصد داشته باشیم تا تغییر رژیم را هدف اصلی سیاست خود قرار دهیم. فکر می‌کنم با توجه به توسعه فناوری و مخرب‌بودن سلاح‌هایی که اکنون وجود دارد، اتخاذ سیاست تغییر رژیم ممکن است با خصومت دیگران به ما تحمیل شود اما ما باید از تولید آن با نگرش‌های خود، خودداری کنیم.

• شما احتمالاً بیش از هر فرد زنده دیگری تجربه مدیریت رویارویی دو ابرقدرت مجهز به سلاح هسته‌ای را دارید. ادبیات تند و خشن هسته‌ای امروزی که از سوی ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه و اطرافیانش می‌شنویم، شما را از نظر تهدیدی که امروز با آن روبه‌رو هستیم، به چه نتیجه‌ای می‌رساند؟

ما اکنون با فناوری‌هایی مواجه هستیم که در آن سرعت مبادلات و ظرافت اختراعات، می‌تواند سطحی از فاجعه ایجاد کند که پیش از این حتی قابل تصور نبود و جنبه عجیب وضعیت کنونی این است که تسلیحات نظامی و هسته‌ای از هر دو طرف در حال افزایش است و هر سال بر پیچیدگی آنها افزوده می‌شود.

امسا تقریباً هیچ بحث و هشداری در سطح بین‌المللی در مورد اینکه چه فاجعه‌ای در انتظارمان خواهد بود اگر واقعاً از این سلاح‌ها استفاده شود، وجود ندارد. درخواست من به طور کلی این است که باید درک کنیم که ما اکنون در عصری کاملاً جدید و متفاوت زندگی می‌کنیم. با گسترش فناوری در سراسر جهان، به طور ذاتی، دیپلماسی و جنگ به محتوای متفاوتی نیاز دارند و این یک چالش جدی خواهد بود.

• شما بیش از ۲۰ بار با پوتین ملاقات کرده‌اید. دکترین هسته‌ای نظامی روسیه این است که اگر احساس کنند رژیم این کشور در معرض تهدید وجودی است، از سلاح هسته‌ای استفاده خواهد کرد. به نظر شما در این شرایط پوتین خط قرمزی دارد؟

من پوتین را به‌عنوان دانشجوی روابط بین‌الملل، سالی یک‌بار برای یک دوره شاید ۱۵ساله در ارتباط با بحث‌های راهبردی صرفاً آکادمیک ملاقات کرده‌ام. فکر می‌کردم که اعتقادات اساسی او ریشه در نوعی ایمان عرفانی در تاریخ روسیه دارد و او از این‌ نظر آزرده‌خاطر بود که بیشتر از شکاف بزرگی که میان اروپا و شرق وجود داشت، نشنت می‌گرفت. پوتین همان زمان هم نظرش این بود که روسیه به دلیل تلاش ناتو برای جذب کشورهای شرق اروپا مورد تهدیدی جدی قرار دارد اما من انجام حمله‌ای برای تصرف یک کشور شناخته‌شده و بزرگ را پیش‌بینی نمی‌کردم.

فکر می‌کنم او در تحلیل وضعیتی که در سطح بین‌المللی با آن روبه‌رو بود، دچار اشتباه محاسباتی شد و همچنین آشکارا توانایی‌های روسیه برای انجام چنین عملیات گسترده‌ای را فراتر از واقعیت موجود در نظر گرفت.

بااین‌حال وقتی زمان اول‌فصل موضوع اوکراین فرایرسد، همه باید این واقعیت را در نظر بگیرند که ما به روابط قبلی بازنمی‌گردیم و با روسیه متفاوتی روبه‌رو خواهیم بود؛ روسیه‌ای که نه حاصل اقدامات غرب بلکه حاصل اشتباهات محاسباتی پوتین در حمله به اوکراین است و از تبعات آن نمی‌تواند اجتناب کند.

• آیا فکر می‌کنید پوتین اطلاعات درست و دقیقی به دست می‌آورد؟ واگر این طور نیست، ما باید برای چه اشتباهات محاسباتی دیگری آماده شویم؟

در تمام این بحران‌ها، باید تلاش کرد تا فهمید که خط قرمز درونی برای طرف مقابل چیست. سؤال بدیهی این است که تشدید تنش تا چه زمانی ادامه خواهد داشت و چقدر زمینه برای افزایش تنش وجود دارد؟ و آیا به نهایت توانایی خود رسیده است؟ پوتین باید تصمیم بگیرد که تشدید و ادامه جنگ در چه نقطه‌ای جامعه روسیه را به اندازه‌ای تحت فشار قرار می‌دهد که شایستگی آن را برای اجرای سیاست بین‌المللی به عنوان یک قدرت بزرگ محدود می‌کند. تفاوتی در مورد زمانی که پوتین به چنین نقطه‌ای برسد، ندارم. وقتی به آن نقطه برسد، آیا او اقدام به استفاده از سلاح‌هایی خواهد کرد که در ۲۰ سال اخیر هرگز استفاده نشده‌اند؟ اگر از این خط قرمز عبور کند، شاهد رویدادی فوق‌العاده مهم خواهیم بود. زیرا ما تجربه زندگی در جهانی را داریم که طی ۷۰ سال اخیر از سلاح هسته‌ای در آن استفاده نشده و به‌هیچ‌وجه آمادگی پذیرش چنین چیزی را ندارد.

چیزها بارها با بسی جین‌بینگ، رئیس‌جمهور چین و اسلاف او ملاقات کرده‌اید. شما چین را به خوبی می‌شناسید. چین چه درس‌هایی از این موضوع می‌گیرد؟
من گمان می‌کنم که هر رهبر چین اکنون به این فکر می‌کند که چگونه از واردشدن به موقعیتی که پوتین در آن قرار گرفته، اجتناب کند و همچنین اینکه چگونه در موقعیتی قرار گیرند که در هر بحرانی که ممکن است رخ دهد، بخش عمده‌ای از جهان علیه آنها متحد نشود.

جنگ سرد جدید میان روسیه و آمریکا؟

شروع شد، همدار خود را عملی کرد. گفتمان رسمی در واشنگتن صریحاً مسئله

حمله به روسیه نیست، بلکه کمک به اوکراین برای دفاع از خود است. اما با وجود تمام لفاظی‌های اطمینان‌بخش، اهداف آمریکا با تداوم نبرد دوران جنگ سرد به‌خوبی همخوانی دارد. مسئله تنها واکنش به حمله روسیه نیست، بلکه تضعیف آن و در نتیجه دلسردکردن از هرگونه انگیزه برای درگیری‌های جدید است. ممکن است استراتژی افراطی ایالات متحده که در حال پیوند مجدد با انزواطلبی خاص است، غافلگیرکننده به نظر برسد، اما با توجه به نقشه‌های ژئوپلیتیک و رقابت میان واشنگتن و پکن، این استراتژی زیاد هم تعجب‌آور نیست. سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، آمریکا را به درگیرشدن در جنگ نیابتی علیه روسیه در اوکراین متهم می‌کند.



رهنوان امیراصلاتی

جو بایدن به ولادیمیر پوتین همدار داده است که «شما موفق به تسلط بر اوکراین نخواهید شد» و فراتر از این سخنان، با اختصاص ۳۳ میلیارد دلار کمک مالی به کیف، علاوه بر کمک‌های بشردوستانه، نظامی و راهبردی که از آغاز تهاجم روسیه

اثبات خلاف این مدعا دشوار است. ناتو به‌وضوح به‌عنوان پوششی برای توجیه مداخله آمریکا در اروپای شرقی عمل می‌کند. در واقع به نظر می‌رسد درنهایت آمریکا ادعای پوتین مبنی بر تمایل غرب به کاهش قدرت روسیه را پذیرفته باشد. به‌طور اعم، ایالات متحده که اکنون ابرقدرت‌بودن خود را با ظهور چین رو به زوال می‌بیند، سیاست خارجی خود را براساس این رقابت توسعه می‌دهد. در دهه ۱۹۷۰، به‌ویژه در دولت نیکسون و به توصیه هنری کیسینجر، موضوع اصلی به‌بازی‌گرفتن پکن در مقابل مسکو بود، اما امروز این روند معکوس شده است. در واقع آنچه در اوکراین در حال وقوع است، جنگ نیابتی علیه روسیه، نشئت‌گرفته از قدرت چین و درنهایت علیه چین است. به نظر می‌رسد ستیزه‌جویی آمریکا نسبت به مسکو با تحلیلی که روس‌ها از اواخر دهه ۱۹۹۰ از مقاصد غربی‌ها ارائه کرده‌اند مطابقت داشته باشد. آیا روسیه با احساس تحقیر و افکار انتقام‌جویانه و بدون دلیل واضح، چرخه جدیدی از رویارویی با غرب را توسط این جنگ آغاز کرده است؟ نتیجه‌گیری در این مورد دشوار است، اما موضع استراتژیک آمریکا از این به بعد صریح خواهد بود. حتی اگر واشنگتن منکر تمایل به تغییر رژیم مسکو باشد، بدون شک بیانیه خودجوش و صادقانه جو بایدن در ورشو، با این مضمون که پوتین «نمی‌تواند در رأس قدرت باقی بماند»، در کرم‌لین به‌عنوان اعتراف واضح آمریکا به اهداف فراقلمی می‌شود. با این حال ایالات متحده با خطر تشدید مقاومت در جناح روسیه مواجه است. در چنین شرایطی، ولادیمیر پوتین تنها دو گزینه تسلیم یا افراط‌گرایی را پیش‌رو دارد. از زمان دومین جنگ در

آگهی ارزیابی کمی مناقصه عمومی دو مرحله ای

با شماره مناقصه ۰۰۵/۱۴۰۱/ام

خدمات مهندسی، طراحی، ناسن و روان منته های حفاری

کارجدار در مناطق عملیاتی شرکت نفت فلان قاره ایران

شرکت نفت فلان قاره ایران در نظر دارد فراخوان ارزیابی کیفی مناقصات فوق الذکر را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.

گلبه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی صرفاً از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir و شماره فراخوان ۰۲۸-۰۹۳۶۲۱۰۰۰۰ انجام خواهد شد.

لازم است پیشنهاد دهندگان در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در فراخوان محقق سازند.

اطلاعات تماس ستادگاه مناقصه‌گزار: تلفن: ۰۲۱-۲۳۴۲۱۵۵۵

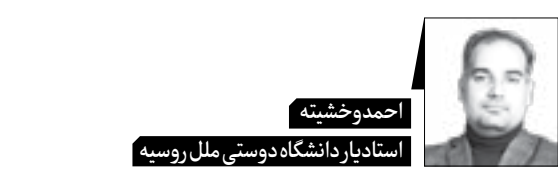
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت:

مرکز تماس: ۰۲۱-۱۴۵۶-۰۲ | دفتر ثبت نام: ۰۸۸۹۶۹۷۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

شماره آگهی ۱۳۱۵۷۳۱ | روابط عمومی شرکت نفت فلان قاره ایران

در حوالی میدان سرخ

اعتراضات سراسری که چراغ حکومت تزاری را خاموش کرد



احمدخوشبته

استادیار،دانشگاه دوستی ملل روسیه

معمولاً در حکومت‌های توتالیته، حاکمان در طول دوران حکمرانی خود، اعتراضات متعددی را تجربه می‌کنند و اگرچه در ابتدا به‌واسطه توسل به جبر موفق به سرکوب می‌شوند اما رفته‌رفته دامنه این اعتراضات در بازه‌های زمانی نزدیک‌تری گسترش می‌یابد؛ فرایندی که شهروندان روسیه در دوران نیکلای دوم، آخرین پادشاه تزاری نیز به‌خوبی آن را فهم کردند. احتمالاً نیکلای دوم که موفق شده بود با فرمان تیر، اعتراضات سراسری روسیه را در ژانویه ۱۹۰۵ سرکوب کند، هیچ‌گاه گمان نمی‌کرد که این اقدامش چنان خشمی در مردم بیافریند که کمتر از ۹ ماه بعد اعتراضات سراسری نانوائیان، کارگران کارخانه‌ها و کارکنان راه‌آهن را رقم بزند. با وقتی در سال ۱۹۰۷ به اعدام معترضان روی آورد، قطعه‌ا تصوری نداشت که ۱۰ سال بعد به دنبال چندبرابرشدن قیمت گوشت، سیب‌زمینی و… از یک سو و ناکارآمدی در سیاست خارجی و مشخصاً جنگ جهانی اول، سبب شود تا اعتصابات سراسری کارگری نسخه حکومتش را در هم بیپید و این‌بار نتواند با استفاده از زور قسر در برود. شاید چون او همیشه یکشنبه خونین در سال ۱۹۰۵ را به خاطر داشت که چطور با توسل به قدرت لوله تفنگ‌ها، قدرت خویش را حفظ کرد؛ غافل از اینکه میان این سال‌ها به همان اندازه که متوسل به جبر شده، از سرمایه‌ معنوی قدرتش نیز کاسته شده تا سرانجام چنان به بحران مقبولیت دچار شود که سربازانی که ابزار سرکوب وی بودند، نه فقط به معترضان شلیک نکنند بلکه این‌بار به آنها بیبوندند. این موضوع درست مصداق این جمله معروف همینگوی است که گفت از شخصی پرسیدند چطور ورشکست شدی؟ پاسخ داد ابتدا آرام‌آرام که متوجه نبودم و بعد یکباره. اگر نگاهی به بازه زمانی اعتراضات در دوران نیکلای دوم داشته باشیم، ابتدا در میان سال‌های ۱۹۰۱ و ۱۹۰۲ اعتراضات دهقانان آغاز می‌شود که مطالبه آنها کاهش مالیات‌ها بود؛ اما با سرکوب جدی و مجازات سنگین روبه‌رو می‌شوند. البته باید توجه داشت که ریشه شکل‌گیری اعتراضات به دسامبر ۱۸۷۶ بازمی‌گردد؛ یعنی هنگامی که نخستین تظاهرات سیاسی در روسیه در زمان سلطنت نیکلای دوم یعنی الکساندر سوم شکل گرفت. تظاهراتی که البته به شدت سرکوب شد و ۳۰ نفر از معترضان دستگیر شدند و احکام سختی برای آنها وضع شد؛ از جمله تبعید ۱۰ نفر از آنها به سبیری یا حکم کار طولانی‌مدت برای پنج فرد دیگر. ولی باوجود این رفتار قهرآمیز، سرکوب و وضع احکام سخت برای معترضان چه در دسامبر ۱۸۷۶ و خواه میان سال‌های ۱۹۰۱ تا ۱۹۰۲، شاهد شکل‌گیری اعتراضات مدنی ۲۰۰هزارنفری در ۲۲ ژانویه ۱۹۰۵ هستیم که به موجب فرمان تیر از سوی تزار در همان روز ۳۰۰ نفر کشته می‌شوند. اما نکته قابل‌تامل اینجاست که وجود تشدید خشونت، بازه زمانی تکرار اعتراضات کوتاه‌تر می‌شود و تابستان همان سال اعتراضات دیگری رقم می‌خورد و دو ماه بعد در پاییز با پیوستن دانشجویان به تظاهرات‌ها، یکی از بزرگ‌ترین اعتصابات سراسری تاریخ روسیه شکل می‌گیرد. توستوی در کتاب جنگ و صلح جمله قابل‌تأملی دارد که می‌گوید یک توده از برف را نمی‌توان به‌سرعت آب کرد و برای آن خشونت و برخوردار است نیز به‌یادگار خاموش نمی‌شود بلکه هربار که در مقابل اعتراضات و اعتصابات مسالمت‌آمیز مردم که ریشه معیشتی دارد، در سرکوب استفاده می‌کند، نقل همان توده برفی است که به آهستگی درحال آب‌شدن است و رفته‌رفته آتش قهرش خاموش می‌شود؛ روندی که از سال ۱۹۰۱ تا ۱۹۱۷ در دوران نیکلای دوم به‌طور آشکار هویداست و نهایتاً به سقوط حکومت تزاری منجر می‌شود. البته باید توجه داشته باشیم که در نظام‌های خودکامه الزامی وجود ندارد که مرگ دیکتاتورها به تولد دوران جدیدی منجر شود که نوید آزادی بدهد؛ همان‌طورکه طوطع آزادی پس از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ خیلی دوام نیاورد و به موجب انقلاب دوم در اکتبر همان سال از سوی لنین و طرفدارانش به سرعت غروب کرد تا این‌بار حکومت خودکامه دیگری زیر سایه ایدئولوژی شکل بگیرد. اما حتماً در این میان این پرسش نیز بزرنگ است که چه می‌شود حکومت مخوف شورویایی نیز با آن عظمت ۲۴ سال بیشتر دوام نمی‌آورد و خاموش می‌شود؛ هفته آینده در حوالی میدان سرخ به این موضوع اشاره خواهیم کرد.

چچن تا عملیات انجام‌شده در گرجستان در سال ۲۰۰۸ یا در کریمه در سال ۲۰۱۴، عزم رئیس‌جمهور روسیه همیشه خطانابذیر به نظر رسیده است. علاوه‌براین، تسلیم به منزله شکست طرح ۲۰ساله برای بازسازی قدرت روسیه است. با درنظرگرفتن این واقعیت که لفاظی‌های روسیه تهدید بسیار جدی برای آغاز جنگ جهانی هسته‌ای به حساب می‌آید، گزینه دوم محتمل‌ترین و خطرناک‌ترین گزینه برای غربی‌ها خواهد بود.

با این حال حداقل در واشنگتن به نظر می‌رسد که توازن قدرت یادآور بدترین دوران جنگ سرد است. اعتراف آمریکایی‌ها به دست‌کم‌گرفتن وحشی‌گری و جاه‌طلبی پوتین از یک سسو و دادن بهای بیش از حد به ظرفیت‌های عملیاتی ارتش روسیه از سوی دیگر، از جمله اشتباهات تحلیلی است که نیاز به پاسخ‌گویی با ابزار نظامی را تقویت کرده است. همچنین این جهت‌گیری مبتنی بر موفقیت‌های زمینی ارتش اوکراین است که جاه‌طلبی‌های روسیه را به میزان قابل‌توجهی کاهش داده؛ بنابراین مجبور به تمرکز بر اهداف خود در شرق و جنوب این کشور شده است. با این حال تشدید خشونت در جنگ همه تلاش‌های دیپلماتیک انجام‌شده تاکنون را نفی می‌کند و همچنین خطر تبدیل یک درگیری منطقه‌ای به یک درگیری جهانی را به دنبال دارد. به نظر می‌رسد اظهارات اخیر وزیر خارجه انگلیس درمورد «چشم‌انداز جهانی ناتو» از اروپا تا جبهه هند و اقیانوس آرام این فرضیه را تأیید می‌کند. در این راستا، شکل‌گیری یک جبهه مشترک تقویت‌شده میان چین و روسیه که از نظر ایدئولوژیک و سیاسی بسیار به هم نزدیک هستند و پیشاپیش با بی‌اعتمادی خود به غرب و تمایل به ساختن جهانی چندقطبی پیمان اتحاد بسته‌اند، دور از انتظار نیست. اتحاد روسیه غنی از منابع انرژی و چین قدرتمند از لحاظ اقتصادی و فناوری می‌تواند رویارویی با ایالات متحده را متحول کرده و سبب پیچیدگی صفحه شطرنج جهانی شود و این همان چیزی است که غرب به هر قیمتی که شده خواهان اجتناب از آن است. آیا پوتین با قرارگرفتن در انزوای بین‌المللی تهدیدهای خود را عملی خواهد کرد؟ برای اعضای سابق سرویس اطلاعاتی ایالات متحده، خطر رویارویی هسته‌ای حتی با درنظرگرفتن موضع ضعیف روسیه به‌طور نابودکننده‌ای ملموس است. با این حال، این خط قرمزی بود که غربی‌ها و شوروی هرگز جرئت عبور از آن را در طول جنگ سرد نداشتند؛ بنابراین غرب بر این باور است که تحریکات کرم‌لین در واقع با هدف دستیابی به یک راه‌حل سیاسی، براساس روش سنتی روسیه یعنی «تشدید برای کاهش تنش» است. یقیناً ولادیمیر پوتین که تا به حال به عنوان یک رهبر عمل‌گرا و منطقی شناخته شده است، در مواجهه با موقعیت لغزان ارتش روسیه در اوکراین قصد استفاده از لفاظی هسته‌ای برای متقاعدکردن روس‌ها به برتری نظامی را دارد و هرگز با پرتاب موشک‌های قاره‌پیم‌ا به سمت ایالات متحده از خط قرمز عبور نخواهد کرد. حتی اگر افراط‌گرایی به نفع پوتین نباشد، پذیرش اوکراین مستقل از نفوذ روسیه در ذهن او غیرقابل تصور است؛ پاسخ ایالات متحده به تشدید تنش هسته‌ای توسط روسیه تا حد زیادی ناشناخته‌باقی مانده است. اما قرن بیست‌ویکم بارها و بارها ثابت کرده است که اکنون دوران افراط‌گرایی است و در غیاب قوانین صریح درمورد تسلیحات هسته‌ای پس از پایان جنگ سرد، جهان به سوی آینده‌ای مبهم و نگران‌کننده پیش می‌رود. حتی اگر چنین پایانی در انتظار نباشد، احتمال می‌رود درگیری و بی‌ثباتی در اوکراین چندین سال به طول بینجامد. بنا بر اظهارات یک کارشناس اسبق روسیه در سازمان سیا، این امر آغازگر یک جنگ سرد جدید نیست، اما سبب ایجاد یک زخم چرکی در اروپا خواهد شد.